

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	مقدمه
۵	فصل اول: کلیات پژوهش
۶	۱-۱- بیان مسأله
۶	۱-۲- سؤال ها
۷	۱-۳- فرضیه ها
۷	۱-۴- اهمیت و ضرورت تحقیق
۷	۱-۵- اهداف پژوهش
۸	۱-۶- پیشینه و ضرورت
۱۲	۱-۷- روش اجرای تحقیق
۱۳	۱-۸- جامعه آماری پژوهش
۱۴	فصل دوم: تعاریف و مبانی نظری پژوهش
۱۵	۲-۱- تعریف و موضوع علوم بلاغی
۱۶	۲-۲- سیر تاریخی علوم بلاغی
۱۸	۲-۳- علم معانی
۲۰	۲-۳-۱- ایجاز
۲۲	۲-۳-۱-۱- انواع ایجاز
۲۲	۲-۳-۱-۱-۱- ایجاز قصر
۲۳	۲-۳-۱-۱-۲- ایجاز حذف
۲۳	۲-۳-۲- اطناب
۲۴	۲-۳-۲-۱- انواع اطناب
۲۴	۲-۳-۲-۱-۱- ایضاح بعد از ابهام

- ۲-۱-۲-۳-۲- ذکر خاص پس از عام ۲۵
- ۳-۱-۲-۳-۲- ایغال ۲۶
- ۴-۱-۲-۳-۲- تذییل ۲۷
- ۵-۱-۲-۳-۲- تکمیل ۲۸
- ۶-۱-۲-۳-۲- تتمیم ۲۹
- ۷-۱-۲-۳-۲- اعتراض ۳۰
- ۳۲ فصل سوم: زندگی نامه، آثار و سبک بیدل دهلوی
- ۱-۳-۱- اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی عصر بیدل دهلوی ۳۳
- ۲-۳-۲- زندگی نامه بیدل دهلوی ۳۵
- ۳-۳-۳- آثار بیدل دهلوی ۳۸
- ۴-۳-۴- آثار منظوم بیدل دهلوی ۳۹
- ۴-۳-۴- آثار مثنوی بیدل دهلوی ۴۱
- ۴-۳-۴- سبک هندی ۴۲
- ۵-۳-۳- جایگاه غزل در سبک هندی ۴۴
- ۶-۳-۳- سبک ادبی بیدل دهلوی ۴۴
- ۴۸ فصل چهارم: بررسی غزلیات بیدل
- ۱-۴-۱- بررسی غزلیات بیدل دهلوی از منظر علم معانی (ایجاز و اطناب) ۴۹
- ۲-۴-۲- ایجاز ۴۹
- ۱-۴-۲-۱- ایجاز قصر ۴۹
- ۲-۴-۲-۲- ایجاز حذف ۵۷
- ۱-۴-۲-۲-۱- حذف مضاف ۵۸
- ۲-۴-۲-۲-۲- حذف مضاف الیه ۶۲
- ۳-۴-۲-۲-۳- حذف فعل ۶۶
- ۴-۴-۲-۲-۴- حذف بخشی از جمله ۷۴
- ۳-۴-۳- اطناب ۸۰

۸۰	_____	۴-۳-۱- ایضاح بعد از ابهام
۹۰	_____	۴-۳-۲- ذکر خاص پس از عام
۹۵	_____	۴-۳-۳- ایغال
۱۰۴	_____	۴-۳-۴- تذییل
۱۱۳	_____	۴-۳-۵- تکمیل
۱۲۸	_____	۴-۳-۶- تتمیم
۱۴۰	_____	۴-۳-۷- اعتراض
۱۴۷	_____	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهاد
۱۵۵	_____	نتیجه گیری و پیشنهاد
۱۵۷	_____	منابع و مأخذ

## مقدمه ۲

علم معانی به بررسی معانی ثانویه سخن می پردازد و از نظر اعتبار بلاغی، باید قبل از « بیان » بررسی شود. یکی از زیر شاخه های دانش معانی « ایجاز و اطناب » است که پژوهش پیش رو می کوشد آن را در جلد نخست غزلیات بیدل دهلوی واکاوی کند و نشان دهد که ایجاز و اطناب در غزلیات بیدل چگونه است؟ بیدل از پیروان سبک هندی است که با شیوه بیان خاص خود، در اعتلای این سبک سهم داشت. سبک هندی در آثار بیدل به اوج رشد خود رسیده است. بیدل دهلوی، بیشتر اشعار خود را با صور خیال خاص - که دریافت آن ها به آسانی ممکن نیست - سروده و مانند دیگر شاعران بزرگ زبان و ادب پارسی، مسائل و مشکلات اجتماعی عصر خود را به زبان طنز و به شکل پارادوکس (متناقض نما) بیان کرده است.

میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی (۱۱۳۳-۱۰۵۴) در هندوستان، افغانستان و تاجیکستان شهرت داشت؛ اما شعر او در ایران معروف نشد. برخی از پژوهشگران، شعر بیدل را از نمونه های عالی سبک هندی دانسته اند؛ اما عده ای دیگر اشعار او را، به خاطر زیاده روی در نازک کاری، نپسندیده اند. به هر حال، زمانی که می خواهند کمال نازک خیالی را - که منجر به تعقید معنوی می شود - مثال بزنند؛ از ابیات بیدل شاهد می آورند (شمیسا، ۱۳۶۹: ۱۸۵).

بیدل در غزلیاتش، با بهره گیری از ایجاز و اطناب، تلمیح، تشبیه، تمثیل، مجاز، استخدام، اسلوب معادله، ایهام، حسن تعلیل، استعاره، کنایه، تضاد، مراعات نظیر و انحراف از نرم (هنجار گریزی) به زیبایی و تسلط توانسته است سطح سخن خود را ارتقا دهد؛ بر خواننده تأثیر گذارد و به گونه ای دیگر سخن بگوید. بیدل در غزلیاتش از ایجاز و اطناب بسیار به جا استفاده کرده و به این وسیله توانسته است بر مخاطبان خود تأثیر بگذارد.

در این پژوهش، ابیات ایجاز و اطناب دار بیدل دهلوی، در جلد نخست، انتخاب شده و پس از شرح مختصر آن ها، نشان داده شده است که این سخنور چگونه با بهره گیری از تشبیه، تمثیل، توصیف، تنسیق الصفات، استعاره، مجاز، تلمیح، تضاد و مقابله، پارادوکس و ... ایجاز و اطناب های تأثیر گذاری را خلق کرده است؟! این شاعر بزرگ - که نقطه اوج سبک هندی است - با هنجار گریزی، سبک مخصوص به خود را خلق کرده است و گذشته از برخی کاستی های زبانی، سطح سخن پارسی را اعتلا بخشیده است. بیدل دهلوی یکی از تحول آفرینان در شعر پارسی، هم به لحاظ معنی و هم به لحاظ فرم، است و دو ویژگی در آثار و اشعارش بسیار برجسته است: نخست فرم شعر او است که شیوه ای خاص و منحصر به فرد دارد و به آن اسلوب بیدلی هم می گویند و دیگر محتوای شعر او است که گام بزرگی در تصویر سازی ها و برجسته سازی های ادبی برداشته است.

بیدل دهلوی در آغاز به شیوه گذشتگان شعر می سرود؛ اما پس از مدتی شیفته شیوه هندی (اصفهان‌ی - صفوی) شد و در این سبک به اوج رسید. بیدل موافقان و مخالفان زیادی دارد که هر دسته برای خود دلایلی دارند؛ اما به نظر می رسد، بیدل سرشناس ترین و ارزشمند ترین شاعر سبک هندی است؛ چون با انحراف از نُرْم (به قول صورتگرایان روس)<sup>۳</sup> دگرگونی عمیقی در سخنوری ایجاد کرد و سطح ادبی زبان فارسی را ارتقا داد. این گوینده توانا تا چند دهه پیش در ایران آن گونه که باید شناخته نشده بود. با نگارش کتاب «شاعر آینه ها»، بیدل پژوهی در ایران آغاز شد. با وجود پژوهش های ارزنده بیدل پژوهان، در دهه های گذشته، هنوز درون مایه های شایسته اندیشیدن بسیاری در شعر این سراینده توانمند به چشم می خورد و جای پژوهش های بایسته بسیاری در این زمینه خالی است.

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و در آن جلد نخست از غزل های بیدل دهلوی، از منظر دانش معانی (ایجاز و اطناب)، بررسی و تحلیل شده و داده ها با استفاده از شیوه تحلیل محتوا و به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از کتابخانه و نمودار بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. برای تدوین این رساله از صد و شش کتاب و پانزده مقاله علمی - پژوهشی استفاده شده است. مسأله پژوهش این است که ایجاز و اطناب در غزل های بیدل چگونه است؟ این پژوهش به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است.

یافته های پژوهش نشان می دهد که «تکمیل» بالاترین بسامد و «حذف مضاف الیه» پایین ترین بسامد را در جلد نخست غزلیات بیدل دهلوی دارد. بیدل با استفاده از تکمیل سخن خود را کامل کرده است و این شیوه؛ یعنی توضیح و تکمیل سخن آغازین یکی از شیوه های سبک هندی است و بیدل - که از برجستگان این سبک است - به درستی از این شیوه بهره برده است. بدون شک، این کار بدون کمک خداوند توانا و راهنمایی استادان محترم راهنما و مشاور به سرانجام نمی رسید؛ چون ورود به دنیای ناشناخته بیدل دهلوی بدون شناخت کلید واژه های اندیشه او نا ممکن به نظر می رسد. البته پژوهش در این زمینه هنوز جای بسیار دارد و دانشجویان زبان و ادب پارسی باید در زمینه علوم بلاغی در دیوان بیدل - بخصوص دانش معانی و ایجاز و اطناب - کند و کاو کنند.

در فصل اول این رساله کلیات تحقیق، طبق پروپوزال و با تفصیل بیشتر، ذکر شده است. در فصل دوم تعریف و مبانی نظری آمده است. در این فصل تعریف علوم بلاغی، تعریف معانی، ایجاز و انواع آن، اطناب و انواع آن با استفاده از منابع دست اول ذکر شده است. در فصل سوم زندگی نامه، آثار و سبک بیدل دهلوی، در فصل چهارم داده ها و در فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهاد برای ادامه بیدل شناسی آمده است. در این پژوهش - که به راهنمایی سرکار خانم دکتر نرگس

---

۳. نگاه پویای صورتگرایان روس به فرم ها، آن ها را از تمام صورت گرای های تاریخ متمایز می کند و از این چشم انداز، عبدالقاهر جرجانی پیشاهنگ تمام صورتگرایان پویا است و این افتخار کمی برای ما، ایرانیان، نیست (کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۰۰).

محمّدی بدر و مشاورت جناب آقای دکتر مرتضی حاجی مزدارانی نوشته شده است- پس از معرفی بیدل دهلوی و سبک، افکار و اندیشه های او، جلد نخست غزلیات این شاعر سرشناس و تحوّل آفرین سبک هندی، از دیدگاه دانش معانی (ایجاز و اطناب) بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

# فصل اوّل

## کلیّات پژوهش

## ۱-۱- بیان مسأله پژوهش

بیدل دهلوی آثاری به نظم و نثر دارد که دانشمندی از هند، افغانستان، تاجیکستان و اخیراً ایران آثارش را از دیدگاه سبک‌شناسی و زبان، واکاوی و شرح کرده‌اند. بیدل با درهم ریختن قواعد ظاهری زبان فارسی برخی را به این گمان انداخت که پریشان‌گویی کرده‌است؛ در حالی که با این کار نوآوری کرد و سطح سخن پارسی را ارتقا داد.

بیدل به پیچیده‌گویی مشهور است و شاید به همین دلیل در ایران کمتر به او توجه شده‌است. این شاعر شاخص به خاطر هنجار‌گریزی، به ویژه در غزل‌هایش، به معنای راستین کلمه شاعر است؛ چون کمتر شاعری می‌تواند با استفاده از کلمات موجود در زبان- که در دسترس همگان است- معانی دور از ذهن را در سخنش بیاورد. از شاعران قدیم نظامی گنجوی و خاقانی شروانی و از معاصران فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و احمد شاملو تا حدودی این گونه بوده‌اند.

در سال‌های گذشته، پژوهشگران در مورد زندگی‌نامه، آثار و افکار، سبک شعری بیدل تحقیقاتی انجام داده‌اند و در خصوص بررسی دانش بیان در آثار او هم پژوهش‌هایی شده‌است؛ اما به نظر می‌رسد علم معانی در آثار بیدل- بخصوص غزلیاتش- واکاوی نشده‌است. بر همین اساس این پژوهش، جلد نخست غزل‌های بیدل دهلوی به تصحیح اکبر بهداروند را از دیدگاه دانش معانی (ایجاز و اطناب) بررسی و تحلیل کرده‌است. مسأله پژوهش این است که ایجاز و اطناب در غزل‌های بیدل دهلوی چگونه است؟ این پژوهش می‌کوشد به شیوه توصیفی- تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد.

بررسی آثار نظم و نثر زبان فارسی بر مبنای دانش معانی کمتر مورد توجه پژوهندگان زبان و ادب پارسی قرار گرفته‌است و ضرورت دارد پژوهندگان ادب پارسی این علم را بر مبنای امکانات زبان فارسی بررسی و تحلیل کنند تا اهمیت دانش معانی در این زبان مشخص گردد. آثار بیدل دهلوی (بخصوص غزلیاتش) تا امروز از منظر علم معانی (ایجاز و اطناب) اصلاً بررسی و تحلیل نشده‌است؛ بر همین اساس، این پژوهش قصد دارد به سؤال‌های زیر پاسخ دهد و نشان دهد که جایگاه ایجاز و اطناب در غزل‌های بیدل دهلوی- که تا کنون از دیدگاه دانش معانی بررسی و تحلیل نشده‌اند- چگونه است و آیا بیدل، با توجه به شیوه بیان، بیشتر به ایجاز گرایش داشته‌است یا اطناب؟ این پژوهش قصد دارد ایجاز و اطناب‌های غزل‌های بیدل و درجه فصاحت و بلاغت آن‌ها را مشخص نماید.

## ۱-۲- سؤال‌های این پژوهش عبارتند از:

۱-۲-۱- نحوه شکل‌گیری ایجاز و اطناب در غزل‌های بیدل چگونه است؟

۱-۲-۲- در غزل‌های بیدل دهلوی ایجاز نمود برجسته تری دارد یا اطناب؟

۱-۲-۳- صور خیال، در ایجاز و اطناب غزل‌های بیدل چگونه است؟

### ۱-۳-۱- فرضیه های پژوهش

۱-۳-۱- ایجاز و اطناب در شعر بیدل دهلوی جایگاه بنیادی دارد و بیش تر با استفاده از تشبیه، استعاره، مراعات نظیر و کنایه شکل گرفته است.

۱-۳-۲- دانش معانی ( ایجاز و اطناب) در غزل های بیدل دهلوی جامعه آماری بالایی دارد.

۱-۳-۳- پندار گرایی بنیادین می تواند در ایجاز و اطناب غزل های بیدل هم نمودار بشود.

### ۱-۴- اهمیت و ضرورت پژوهش

۱-۴-۱- این پژوهش به دانشجویان و علاقه مندان رشته زبان و ادب پارسی کمک می کند تا با سخن بیدل بیشتر آشنا شوند و زیبایی های آن را بیشتر دریابند.

۱-۴-۲- در پی این آشنایی، ارزش و جایگاه بیدل در ادب پارسی آشکارتر خواهد شد.

۱-۴-۳- در پی این آشکار شدگی، پژوهندگان انگیزه بیشتری خواهند یافت که سروده ها و دیگر آفریده های بیدل را بکاوند و بررسند.

۱-۳-۴- بررسی و تحلیل ایجاز و اطناب در جلد نخست غزلیات بیدل دهلوی که تا امروز هیچ پژوهنده ای به آن نپرداخته است.

### ۱-۵- اهداف پژوهش

#### ۱-۵-۱- اهداف اصلی

۱-۵-۱-۱- نشان دادن کارکرد زیبایی شناسی ایجاز و اطناب در غزل های بیدل.

۱-۵-۱-۲- نشان دادن توان آفرینندگی هنری و پندار شناختی بیدل با کند و کاو در یکی از بخش های دانش معانی ( ایجاز و اطناب)

۱-۵-۱-۳- بررسی یکی از شاخه های دانش معانی ( ایجاز و اطناب) و نشان دادن کار کرد زیبا شناسی سخن ( ایجاز و اطناب) در غزل های بیدل.

#### ۱-۵-۲- اهداف فرعی

۱-۵-۲-۱- توجه بیشتر ایرانیان به سبک هندی به ویژه شعر بیدل دهلوی (عظیم آبادی).

۱-۵-۲-۲- استفاده از امکانات زبان فارسی برای گسترش دانش های ادبی.

۳-۲-۵-۱- نشان دادن ارزش و کارکرد والای دانش معانی در سخنوری و پندار شناسی سخن.

۴-۲-۵-۱- توجه بیشتر استادان، پژوهندگان و علاقه مندان شعر، به سروده های بیدل.

## ۶-۱- پیشینه پژوهش

پس از جست و جو و رؤیت سایت ها و سامانه های مطالعات ادبی کشور (مگیران، پرتال علوم انسانی، سامانه گنج، مرکز اسناد و مدارک علمی کشور، علم نت و ...) آشکار گردید که در مورد زندگی بیدل دهلوی، تصویرهای شعری (بیان و بدیع) در برخی از آثار بیدل، آثار و افکار و سبک او پژوهش های زیادی در افغانستان، تاجیکستان و ایران انجام شده است؛ اما، تا امروز، در خصوص بررسی علم معانی (ایجاز و اطناب) در غزل های بیدل هیچ گونه پژوهشی صورت نگرفته است. برخی از پژوهش هاییکه تا کنون با محوریت بیدل دهلوی و آثار و افکار و سبک بیان او انجام شده است (به ترتیب سال تألیف) عبارتند از:

### ۱-۶-۱- کتاب ها

۱- سلجوقی، صلاح الدین. (۱۳۴۳)، نقد بیدل، کابل: مؤسسه دپوهنی مطبوعه. صلاح الدین سلجوقی در این کتاب ارزشمند ابیاتی برگزیده از غزلیات بیدل را شرح، تحلیل و نقد کرده و سپس آثار منثور او را از جمله: عرفان، طور معرفت، طلسم حیرت، محیط اعظم، چهار عنصر، نکات و رقعات، مورد بررسی قرار داده و در پایان نمونه هایی از رباعیات بیدل را نقل کرده است.

۲- انصاری، نورالدین. (۱۳۶۳)، بحثی در احوال و آثار بیدل، ترجمه پوهاند میر حسین شاه، کابل: مطبوعه پوهنتون. پروفیسور نورالحسن انصاری در این کتاب- که به مناسبت سیصد و چهلمین سال تولد ابولمعالی بیدل نگارش شده است- زندگی نامه بیدل دهلوی را با تکیه بر آثار متقدم از جمله: سفینه خوشگو، خزانۀ عامره، مرآت خیال و کلیات بیدل نوشته و سپس آثار منثور و منظوم او را مورد بررسی قرار داده است.

۳- حبیب، اسد الله. (۱۳۶۳)، بیدل شاعر زمانه ها، کابل: مطبوعه پوهنتون. این کتاب هم به مناسبت سیصد و چهلمین سال تولد ابولمعالی بیدل نگارش شده است که در آن زندگینامه بیدل بر اساس کتاب «چهار عنصر» که از خود بیدل است؛ به نگارش در آمده و پس از آن به بررسی جهان بینی و افکار و اندیشه های بیدل دهلوی پرداخته است.

۴- پاکفر، محمد سرور. (۱۳۶۵)، سی مقاله (به مناسبت سیصد و چهلمین سال تولد ابوالمعانی بیدل)، کابل: مجله ملیتهای برادر. این کتاب مجموعه سی مقاله از بیدل شناسان معروف در مورد بیدل دهلوی و زندگی نامه، آثار، افکار و سبک بیان این شاعر شاخص سبک هندی است.

۵- حسینی، حسن. (۱۳۶۸). بیدل سپهری و سبک هندی. تهران: انتشارات سروش. حسن حسینی هم در کتاب خود به بررسی مضمون شعر بیدل و علل پیچیدگی شعر او، بحث تمثیل، تشخیص و سوررئالیسم در شعر بیدل و سپهری پرداخته است.

۶- اسیر (قندی آغا)، محمد عبدالملک. (۱۳۷۵). کلید عرفان. کابل: انتشارات حمید نور. محمد عبدالحمید اسیر معروف به «قندی آغا» در این کتاب ابیات پیچیده بیدل را شرح عرفانی کرده و اشاره ای به بلاغت در شعر بیدل نکرده است.

۷- هادی، نبی. (۱۳۷۶). عبدالقادر بیدل دهلوی. ترجمه توفیق سبحانی، تهران: نشر قطره. پروفیسور نبی هادی در این کتاب زندگی نامه بیدل را، به تفصیل و با تکیه بر سفینه خوشگو، تاریخ اورنگ زیب و چهار عنصر (از بیدل) نوشته؛ سپس به بررسی آثار بیدل از دیدگاه عرفانی پرداخته است.

۸- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۹). شاعر آینه ها. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه. شفیعی کدکنی در کتاب شاعر آینه ها زندگی نامه، سبک شعر بیدل، بحث در مورد کتاب نقد بیدل از صلاح الدین سلجوقی، بررسی مختصر خاطرات صدرالدین عینی، انتخاب نمونه هایی از غزلیات و رباعیات بیدل و در پایان فرهنگ خوشه های خیال بیدل دهلوی را ذکر کرده و هیچ بحثی از علم معانی و ایجاز و اطناب در آثار بیدل نکرده است.

۹- حسن لی، کاووس (۱۴۰۰)، بیدل و انشای تحیر، تهران: انتشارات معین. کاووس حسن لی در کتاب بیدل و انشای تحیر به بازشناسی شعر بیدل دهلوی با شرح سی غزل از پایان دیوان او پرداخته است.

#### ۱-۶-۲- مقاله ها

۱- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۴۷)، «بیدل دهلوی»، مجله هنر و مردم، ش ۷۴ و ۷۵، صص ۴۲-۵۱. مقاله شفیعی کدکنی نخستین مقاله در خصوص بیدل و سبک شعری او است و نویسنده آن در خصوص سبک شعری بیدل و زبان و بیان او بحث کرده و جوانان را از پیروی از سبک او بازداشتی است.

۲- تمیم داری، ابراهیم (۱۳۷۱)، «بیدل دهلوی (عظیم آبادی)» مجله آشنا، ش ۶، صص ۲۶-۳۰، نویسنده مقاله در مورد زندگی نامه، آثار و سبک سخن بیدل دهلوی بحث کرده است.

۳- طالبیان، یحیی و منصور نیک پناه (۱۳۸۱)، «مقایسه صور خیال در شعر بیدل و نیما»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۳۴، صص ۹۸-۱۰۸. نویسندگان در این مقاله به مقایسه و بررسی صور خیال در شعر بیدل و نیما (دو گوینده بزرگ از دو عصر ادبی) پرداخته اند و هیچ اشاره ای به علم معانی در شعر این دو شاعر نکرده اند.

- ۴- خدایار، ابراهیم (۱۳۸۳)، « صدرالدین عینی و بیدل دهلوی»، فصلنامه ی پژوهش های ادبی، ش ۱، صص ۹۴-۷۵. نویسنده محترم در این مقاله به نقش صدرالدین عینی در معرفی بیدل دهلوی در محیط ادبی ماوراءالنهر در قرن بیستم پرداخته و اشاره ای به علم معانی در شعر بیدل نکرده است.
- ۵- ذاکری، احمد (۱۳۸۶)، « موسیقی شعر بیدل دهلوی»، قند پارسی، ش ۳۹ و ۴۰، صص ۳۷۴-۳۶۰، نویسنده در این مقاله به بررسی موسیقی بیرونی (وزن، قافیه و ردیف) و موسیقی درونی (ترکیب و آرایش واژگان) در شعر بیدل دهلوی پرداخته است.
- ۶- اکرمی، محمد رضا (۱۳۸۶)، « زاویه تشبیه در استعاره های بیدل»، کیهان فرهنگی، ش ۲۵۴، صص ۴۸-۵۳. نویسنده مقاله سعی کرده است زاویه تشبیه در استعاره های بیدل را نشان دهد و به این نتیجه رسیده است که استعاره های بیدل فرآر و رمنده اند و استعاره در شعر بیدل ابهامی معما گونه است.
- ۷- مشایخی، فاطمه و احمد حسنی رنجبر و علی اصغر حلبی (۱۳۹۷)، « ترکیبات خاص در غزلیات بیدل دهلوی»، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره، ش ۳۵، صص ۱۹۴-۱۷۷. نویسندگان در این مقاله به بررسی روابط نحوی و هسته معنایی ترکیبات خاص در غزلیات بیدل پرداخته اند و سعی کرده اند روابط پنهان اجزای ترکیبات را کشف کنند.
- ۸- اکبری گندمانی، مهرداد و مهدی رضا کمالی بانیانی (۱۳۹۸)، « چشم اندازهای تازه ساختار بلاغی تشبیه در اشعار بیدل دهلوی»، دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۸۶، صص ۵۹-۳۱. نویسندگان مقاله به بررسی ساختار بلاغی تشبیه در اشعار بیدل دهلوی و نوآوری این شاعر در تشبیه، بخصوص وجه شبه، پرداخته اند.
- ۹- ساجد، غزاله و امیر حسین ماحوزی و شهین اوجاق علیزاده (۱۳۹۹)، « نوآوری های تشبیه در غزلیات بیدل دهلوی»، سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ش ۵۲، صص ۲۱۲-۱۹۱. پژوهشگران در این مقاله با روش توضیحی - تحلیلی به شیوه تقسیم بندی بروک رز که روشی دستوری و زبان شناسی است؛ تشبیهات غزلیات بیدل را استخراج کرده و نشان داده اند که تشبیهات بیدل بیشتر اسنادی هستند.
- ۱۰- علوی مقدم، مهیار و محمود فیروزی مقدم و حمید خصلتی (۱۴۰۰)، « تحلیل استعاره های مفهومی جهتی یا فضایی بن مایه جنون در منتخب غزل های بیدل دهلوی»، دو فصلنامه علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ش ۲، صص ۱۱۲-۹۹. نویسندگان در این مقاله استعاره های جهتی بن مایه جنون را با تکیه بر نظریه معاشناسی شناختی و کارکرد استعاره مفهومی تحلیل کرده اند.
- ۱۱- خصلتی، حمید و مهیار علوی مقدم و محمود فیروزی مقدم (۱۴۰۱)، « تحلیل استعاره مفهومی ساختاری هستی در غزل های بیدل دهلوی»، متن پژوهی ادبی، ش ۹۲، صص ۲۸۳-۲۵۴. نویسندگان پس از تبیین استعاره های شناختی به

عنوان یکی از رویکردهای جدید در حوزه تحلیل آثار ادبی، مفهوم «هستی» را، با استفاده از استعاره مفهومی - ساختاری، تحلیل کرده اند.

۱۲- حاجی عبدالحسینی، محمد و ثریا رزاقی (۱۴۰۱)، «تلمیحات نو در غزلیات بیدل دهلوی»، جامعه شناسی سیاسی ایران، ش ۲۴، صص ۱۶۶۸-۱۶۵۴. نویسندگان نمونه هایی از مضمون سازی های بدیع بیدل در تلمیحات شعر فارسی را بررسی کرده اند که تا قبل از او شاعران دیگر از این زاویه به تلمیح نگاه نکرده بودند.

### ۳-۶-۱- رساله ها

۱- اکرمی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تحلیل استعاره در غزل های بیدل دهلوی»، رساله دکتری، دانشگاه شیراز، ایران: شیراز. پژوهشگر محترم در این رساله به بررسی اهمیت استعاره و سیر آن از سبک خراسانی تا هندی و ویژگی های استعاره در شعر بیدل دهلوی پرداخته است.

۲- کمالی، مهدی (۱۳۸۹)، «تحقیق در عناصر موسیقایی غزل های بیدل دهلوی»، رساله دکتری، دانشگاه یزد، ایران: یزد. پژوهشگر محترم در این رساله به بررسی و تحلیل عناصر موسیقایی غزل های بیدل دهلوی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که موسیقی شعر بیدل جزئی از نگاه و دریافت های تازه و نامأنوس او است و کیفیت موسیقایی غزل بیدل را در تازگی و غرابت و تأثر از عناصر فرهنگی محیط هند می داند.

۳- افضلی، خلیل الله (۱۳۹۳)، «دیدگاه های ادبی بیدل»، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی، ایران: مشهد. پژوهشگر در این تحقیق به بررسی دیدگاههای ادبی بیدل در باره مبانی زیبایی شناسی شعر، تجربه شعری، مخاطب و نگاه انتقادی وی به شعر و شاعران عصرش پرداخته است.

۴- ناصری، روح اله (۱۳۹۶)، «تجزیه و تحلیل شبکه های تصویری و خیال آفرینی در سبک هندی با تأکید بر اشعار بیدل دهلوی»، رساله دکتری، دانشگاه ارومیه، ایران» ارومیه. پژوهشگر در این رساله به بررسی سبک هندی، ویژگی های آن و شبکه های تصویری و خیال آفرینی در این سبک می پردازد و به این نتیجه می رسد که بیدل با تصویر سازی مفهیم ذهنی خود را بیان کرده است و بیشتر به ابهام و ایجاز و اختصار در کلام علاقه مند است.

۵- خسروی، شعیب (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل فرهنگ عامه در شعر بیدل دهلوی»، رساله دکتری، دانشگاه رازی، ایران: کرمانشاه. پژوهشگر در این رساله به بررسی نسبتاً دقیق فرهنگ عامه ایران و هند (باورها و سنت ها) در کلیات بیدل دهلوی پرداخته و نشان داده است که آرایه های ادبی مانند: کنایه، تشبیه، استعاره و زیر شاخه های آن ها نقش اصلی را در ادغام و پروردن مؤلفه های فرهنگ عامه بر عهده دارند.

۶- نجفی، ساسان (۱۴۰۱)، «تحلیل روابط بینامتنی نشانه‌ها و نمادهای عرفانی و دینی اسلامی و هندی در بستر غزلیات بیدل دهلوی»، رساله دکتری، دانشگاه ارومیه، ایران: ارومیه. پژوهشگر محترم در این رساله روابط بینامتنی نمادهای عرفانی و دینی غزلیات بیدل دهلوی را با متون عرفانی اسلامی و کتب ادیان هندی بررسی کرده و نشان داده است که بیدل مفاهیم عرفانی اسلامی را گسترش داده و معانی جدید و بکری را معرفی کرده و نمادهای ادیان هندی را در چهار چوب تفکر عرفان اسلامی به کار گرفته است.

#### ۴-۶-۱- پایان نامه‌ها

۱- نقی شیخی، داود (۱۳۹۳)، «بررسی عناصر سوررئال در غزل‌های بیدل دهلوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری، ایران: سبزوار. نویسنده در این پایان‌نامه به بررسی عناصر سوررئالیسم در غزلیات بیدل دهلوی پرداخته و نشان داده است که او از پیشگامان مکتب سوررئالیسم در شعر فارسی است.

۲- قصری فرد، مهرداد (۱۳۹۷)، «شرح و تفسیر پنجاه غزل از بیدل دهلوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، ایران: همدان. دانشجو در این پایان‌نامه به شرح و تفسیر پنجاه غزل از غزلیات بیدل پرداخته است.

۳- سروری، مریم (۱۴۰۰)، «تحلیل و تصویر طبقات اجتماعی در اشعار بیدل دهلوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ایران: تهران. نویسنده در این پایان‌نامه به بررسی اوضاع آشفته و نابسامان اجتماعی عصر بیدل پرداخته و مشخص کرده است که بیدل لایه‌های اجتماعی را به صورت رشوه‌خوار، زورگو و فرصت‌طلب در شعرش نشان داده است. به نظر نویسنده، بیدل در اشعارش به شکل استعاری از طبقات گوناگون جامعه استفاده کرده است تا بهتر بتواند ضعف‌های ناشی از جامعه آشوب‌زده عصر خود را نمایان کند.

۴- بهشتی زاد، اسماعیل (۱۴۰۱)، «بررسی تطبیقی استعاره‌های شناختی در اشعار دان جان و بیدل دهلوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ایران: اصفهان. نویسنده محترم با تکیه بر نظریه «استعاره مفهومی-شناختی» از لیکاف و جانسون، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان سبک بیدل دهلوی و جان دان را از منظر زبان و ساختار شعر، ساز و کارهای رایج و متمایز ساختاری میان این دو شاعر در فاصله گرفتن از زبان روزمره و استعاره‌های مفهومی آشکار و نهان در نمونه‌های انتخابی از شعر این دو شاعر و تفاوت آن‌ها را بررسی کرده است.

#### ۷-۱- روش اجرای پژوهش

در این پژوهش، پس از شناسایی منابع و مآخذ اصلی و فرعی و فیش برداری، فیش‌ها براساس موضوعات فرعی، مرتب و فیش‌های بی‌ارزش یا کم‌ارزش کنار گذاشته شد و مطالب اصلاح و برخی مطالب جدید و لازم، اضافه گردید. در این

تحقیق، سعی شده است ایجاز و اطناب در غزل های بیدل، بر مبنای مطالعه و استنباط شخصی متمرکز و کمتر از منابع و مآخذ استفاده شود.

روش تحقیق یکی از نکات مهم در تدوین نهایی یک اثر پژوهشی است. در فلسفه، دین، ادبیات و سیاست، بیشتر از روش توصیفی و استنباطی یا تأویل و تفسیر استفاده می شود؛ بنا بر این موضوع، روش تحقیق مناسب را به پژوهشگر می آموزد. (گرجی، ۱۳۹۰: ۶۰)

برخی از محققین، بین روش، شیوه و ابزارهای پژوهش، تمایز قائل نشده اند و آن ها را یک چیز فرض کرده اند؛ در حالی که این سه مورد مجزاً از هم هستند. به عنوان مثال، مطالعه، مشاهده، پرسش نامه، آزمایش، آمار گیری و ... را از جمله روش های پژوهش دانسته اند؛ در صورتی که این موارد روش و شیوه پژوهش نیستند؛ بلکه ابزار پژوهش هستند. بین روش و شیوه پژوهش نیز می توان تمایز قائل شد؛ به این معنی که روش پژوهش (کتابخانه ای، تحلیلی، تطبیقی، توصیفی و...) عام است و شامل همه دانش هایی که بنیاد نظری مشترک دارند (علوم تاریخی، فلسفی، ادبی، عرفانی، هنری و ...) می شود؛ در حالی که شیوه پژوهش در دانش های یاد شده، مخصوص همان حوزه است و با شیوه/ شیوه های دیگر در سایر دانش ها تفاوت دارد. (همان: ۴۸-۴۶)

در این رساله، از نشریه های علمی، کتابخانه و توصیف و استنباط (هنگام تشخیص مصداق های ایجاز و اطناب و انواع و اقسام آن ها در غزل های بیدل دهلوی) بهره برده شده است و پس از انجام پژوهش و برای تحلیل داده های تحقیق، از جدول، نمودار، آمار توصیفی<sup>۴</sup>، تبیین<sup>۵</sup> و تحلیل توصیفی (کمی و کیفی) استفاده شده است.

## ۸-۱- جامعه آماری پژوهش

در این رساله، جلد نخست دیوان غزلیات میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی با ۷۰۳ صفحه، ۱۷۵۷ غزل و ۱۹۳۲۷ بیت از منظر علم معانی (ایجاز و اطناب) بررسی و از این میان، ابیات مهم و ایجاز و اطناب دار انتخاب و تبیین و تحلیل شده است. دیوان غزلیات بیدل در دو جلد به کوشش اکبر بهداروند در سال ۱۳۹۲ به وسیله مؤسسه انتشارات نگاه در تهران چاپ شده است.

---

<sup>۴</sup>. Descriptive Statistics

<sup>۵</sup>. Explanation

## **فصل دوم**

### **تعاریف و مبانی نظری**

در این فصل علوم بلاغی، دانش معانی، ایجاز و اطناب و شاخه های آن ها تعریف شده است تا خوانندگان با علوم بلاغی، موضوع و تاریخچه علوم بلاغی و علم معانی آشنا شوند. بنا بر این، هدف از این فصل تعاریف و مبانی نظری است تا خوانندگان بدانند بلاغت، علم معانی و ایجاز و اطناب چیست و با نظرات متخصصین این حوزه آشنا شوند و با زمینه ذهنی مناسب این رساله را مطالعه کنند.

## ۲-۱- تعریف و موضوع علوم بلاغی

بلاغت سخن آن است که به اقتضای حال و مقام، گاهی سخن به ایجاز و گاه به اطناب گفته شود. بلاغت به معنای درستی جمله و فصاحت به معنای درستی کلام از نظر لفظی، واژگانی و دستوری است. در حقیقت، بلاغت می تواند دور را نزدیک و نزدیک را دور؛ ظاهر را مخفی و پنهان را آشکار سازد. بلاغت حدّ اعلاّی رسا گفتن و دلپسند، درست و کوتاه نوشتن است. به طور موجز، بلاغت قوّت فکر، حسن تعبیر و قدرت تأثیر است. سخن دانی و سخن شناسی را معادل فارسی بلاغت قرار داده اند؛ چنان که شیخ اجلّ سعدی شیرازی فرموده است: شبی زیتِ فکرت همی سوختم / چراغ بلاغت می افروختم (سعدی، ۱۳۶۹: ۱۳۶). بلاغت به معنی رساندن و به انتهای کار قدم نهادن (ابن اثیر، بی تا: ۹۰) و در اصطلاح به درجه ای از سخن پردازی رسیدن است که از آن بهتر میسر نباشد. بلیغ کسی است که در قالب عبارتی کوتاه معانی مهم و بلند و آموزنده بگنجاند (خفاجی، ۲۰۰۳: ۱۱۹).

صاحب کتاب «الصناعین» در تعریف بلاغت می گوید: «بلاغت قرار دادن کلام در جایگاه آن همراه با اطناب و ایجاز درخور و الفاظی نیکو است» (عسگری، بی تا: ۱۸-۱۳). نویسنده «الکتاب» به موضوع های بلاغی مانند: باب اللفظ المعانی، باب ما یكون فی اللفظ من الاعراض، باب ما یحتمل الشعر و... (سیبویه، ۱۹۸۳ م: ۶-۴) اشاره کرده است. جاحظ در کتاب «البیان والتبیین» به بسیاری از فنون بلاغی و شیوه های بیان پرداخته و نمونه هایی را برای هر کدام آورده است؛ اما برای هیچ کدام اصطلاح یا تعریفی ذکر نکرده است. در «البیان» سخنان بسیاری در باره «بلاغت» ذکر شده و جاحظ به تحلیل و تفسیر آن ها پرداخته است (جاحظ، ۱۹۸۹: ۴).

نویسنده «مفتاح العلوم» دانش بلاغت را به سه شاخه معانی، بیان و بدیع تقسیم کرده است (سکّاک، ۱۴۲۰: ۱). پس از سکّاک دانشمندان علم بلاغت آن را پذیرفتند و از این تقسیم بندی پیروی کردند. ادب پژوهان علم معانی، بیان و بدیع را علوم بلاغی می نامند؛ در ابتدا هدف از این علوم، فهم اعجاز قرآن و فصاحت و بلاغت آن بود؛ ولی بعدها برای شناخت کلام فاخر از پست و جلوگیری از فساد طبع شعرا و نویسندگان مورد استفاده قرار گرفت.

زمخشری(م. ۵۳۸ هـ. ق.) در مقدمه «کشاف» در مورد اهمیت معانی و بیان می نویسد: «عالم علم کلام، اگر در صنعت کلام بر همه ی اهل دنیا چیره شود و حافظ قصص و مسائل تاریخی، حتی اگر از ابن القریه حافظ تر باشد و دانشمندان نحودان اگر در علم نحو از سیویه دانتر باشند؛ هیچ یک نمی توانند به کنه آیات قرآنی پی ببرند، مگر این که در علمی که مختص قرآن است تبحر پیدا کنند و آن دو علم معانی و بیان است.» (علوی مقدم، اشرف زاده، ۱۳۸۴: ۱). بیشتر عبارات پرمعنی و نغز گلستان سعدی بلاغت کامل دارند:

اگر شب ها همه قدر بودی      شب قدر بی قدر بودی

( سعدی، ۱۳۶۴: ۵۴۷ )

هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده ( همان: ۴۳۵).

بزرگی بایدت بخشندگی کن      که دانه تا نیفشانی نروید

( همان: ۱۰۴ )

خواجه شیراز فرماید:

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد      یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد

هر کو نکته فهمی زین کلک خیال انگیز      نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

( حافظ، ۱۳۷۳: ۱۲۶ )

## ۲-۲- سیر تاریخی علوم بلاغی

بحث در علوم بلاغی، از قدیم در میان ملت های مختلف رواج داشته است. در یونان آثاری مانند فن شعر و فن خطابه توسط ارسطو تالیف شد. جاحظ در «البیان والتبیین» از کتابی به نام «کاروند» که در میان ایرانیان رایج بوده است؛ یاد می کند و می گوید: هر کس بخواهد با رموز بلاغت آشنا شود و در علوم بلاغی، پیشرفت کند؛ باید «کاروند» فارسیان را بخواند (جاحظ، ۱۹۸۹: ۴). اعراب قبل از اسلام، به شعر و ادب علاقه بسیار داشته اند و از بحث ها و نکته سنجی های مربوط به شعر که در بازارها (مثل بازار عکاظ) و مجالس آن زمان رواج داشته است؛ اخباری باقی مانده است. پس از ظهور اسلام و نزول قرآن، بلاغت معجزه آسای قرآن به بحث و تبادل نظر در مورد علوم بلاغی سرعت بخشید.

مؤلف کتاب «معانی القرآن» ضمن شرح آیات قرآن، مسائلی چون: تقدّم و تأخیر، ایجاز و اطناب، تشبیه، استعاره و کنایه را مورد بحث قرار داده است (فراء، ۱۹۷۲: ۴). نخستین کتاب مستقل در علوم بلاغی، «البدیع» اثر ابن معتر است که در سال ۲۷۴ هجری تألیف شده است. ابن معتر در اثر خود، از هفده صنعت بدیعی بحث کرده است. هم زمان با ابن

معتزاً یا کمی بعد، قدامه بن جعفر (م. ۳۳۷ هـ. ق.) کتاب «نقد الشعر» را تألیف کرد و در آن کوشید بلاغت عربی را تا حدودی با موازین بلاغت یونانی (بخصوص آثار ارسطو) تلفیق کند (احمد نژاد، ۱۳۶۶: ۱-۲).

مهم ترین تحقیق در زمینه علوم بلاغی، تحقیقات عبدالقاهر جرجانی (م. ۴۷۱ هـ. ق.) است. جرجانی مباحث معانی و بیان را جدا کرد. در کتاب دلائل الاعجاز، علم معانی و در کتاب اسرار البلاغه، علم بیان را مطرح کرد. جارالله زمخشری (م. ۵۳۸ هـ. ق.) با تألیف آثار گوناگون، بخصوص تفسیر مشهور «کشاف» و «اساس البلاغه» به کامل تر شدن علوم بلاغی کمک کرد. پس از این دوره، نوآوری در علوم بلاغی به تدریج کاهش یافت. سکاکی (م. ۶۲۶ هـ. ق.) کتاب مفتاح العلوم را نوشت و در بخش سوم آن از معانی، بیان، فصاحت، بلاغت و بدیع سخن گفت.

تنها کتاب مهم در این زمینه، «المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر» از ضیاءالدین ابوالفتح ابن اثیر است. پس از ابن اثیر، مدت ها چهره ای درخشان در نقد و بلاغت عربی ظهور نکرد و کتاب هایی که در این زمینه نوشته شد، در حد تلخیص و شرح بود. خطیب قزوینی (م. ۷۳۹ هـ. ق.) قسمت معانی، بیان و بدیع مفتاح العلوم سکاکی را تلخیص کرد و علمای پس از او، بر تلخیص مفتاح، شرح هایی نوشتند که مهم تر و مشهورتر از همه «مطول» و «مختصر المعانی» سعدالدین تفتازانی (م. ۷۹۱ هـ. ق.) است که هنوز هم از کتاب های درس معانی و بیان در دانشگاه ها و حوزه های علمیه است.

از قرن پنجم به بعد، در زبان فارسی تحقیق در اصول بلاغت و بحث در کلام، از حیث قوانین فصاحت و بلاغت معمول شد و قدیمی ترین تحقیقات، در این باره، از بهرامی سرخسی، شاعر آغاز قرن پنجم، معاصر سلطان محمود غزنوی و احمد بن محمد منشوری سمرقندی و ابو منصور بزرجمهر قائنی، معاصر سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و خورشیدی صاحب کنز الغرائب در شرح تألیف منشوری سمرقندی و ابو محمد عبدالله بن محمد رشیدی سمرقندی از شعرای مشهور قرن پنجم و ششم و صاحب «زینت نامه» در علم شعر است (صفا، ۱۳۶۳: ۷).

قدیمی ترین کتاب مستقل زبان فارسی، که در زمینه علوم بلاغی در اختیار داریم، ترجمان البلاغه محمد بن عمر رادویانی است که مدت ها به نام فرخی سیستانی شهرت داشت (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۶۰). تا این که استاد احمد آتش در سال ۱۳۲۶ شمسی با به دست آوردن نسخه خطی ترجمان البلاغه در کتابخانه فاتح استانبول، محرز ساخت که ترجمان البلاغه اثر محمد بن عمر رادویانی است؛ چون مؤلف در آغاز کتاب نامش را نوشته بود، بنابر این، شک و تردیدی باقی نماند که کتاب، تصنیف محمد بن عمر رادویانی است (علوی مقدم، اشرف زاده، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۵).

حدائق السحر رشید و طواط براساس ترجمان البلاغه تألیف شده و نویسنده، مسحور اثر رادویانی شده است. پس از حدائق السحر، باید از دقایق الشعر علی بن محمد معروف به تاج الحلاوی (قرن ۷ یا ۸) نام برد که در زمینه بدیع و

صنایع شعری کتابی تألیف کرده است. مهم ترین کتابی که در مورد دسته بندی و گرد آوری صور خیال وجود دارد، «انیس العشاق» اثر شرف الدین رامی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۶۱).

جای بسی تأسف و تأثر است که دانشمندان زبان و ادبیات فارسی هرگاه دست به قلم شده و خواسته اند در فنون بلاغت فارسی پژوهش کنند؛ زبان مادری خود را فراموش کرده و به سراغ زبان عربی رفته اند و کمتر به شعر و نثر زیبا، دلنشین، فصیح و شیرین فارسی توجه کرده اند و از این نظر شعر و نثر فارسی مهجور مانده است. هر زبانی به جای خود ارزشمند است؛ اما همه زبان های زنده دنیا، از جمله زبان فارسی، باید بر مبنای امکانات همان زبان بررسی شوند؛ درست نیست مثلاً دانش معانی در زبان پارسی را بر مبنای زبان عربی بررسی و تحلیل کنیم. در چند دهه گذشته متخصصان زبان و ادبیات فارسی کتاب هایی تألیف کرده اند که علوم بلاغی در آن ها بر مبنای زبان فارسی و امکانات آن بررسی شده است و شاهد مثال ها را از گنجینه آثار نظم و نثر فارسی انتخاب کرده اند؛ اما این بسیار اندک است و باید کوشش های بیشتری برای رسیدن به مقصود انجام شود.

### ۳-۲- علم معانی<sup>۶</sup>

معانی، دانشی است که چگونگی تناسب سخن، با مقتضای حال و مقام، یا خلاف آن را بررسی و ارزیابی می کند. این دانش، از معانی ثانویه جمله ها بحث و یک زبان را به همان زبان ترجمه می کند؛ یعنی معنی ضمنی جمله ها را توضیح می دهد و باید به مقتضای حال و مقام باشد. مفاهیم ثانویه سخن را تنها انسان های خردمند و فرهیخته در می یابند و ساختار سخن هم به این معانی اشاره می کند. کزازی در کتاب «معانی» در تعریف دانش معانی می گوید: «معانی دانشی است که در آن درونی ترین و سرشتی ترین کاربرد های زیبا شناختی بررسی و کاویده می شود؛ کاربرد های هنری که گاه با نگاه نخستین در سروده فرا چشم نمی آیند و برای یافتن و به در کشیدن و نشان دادن آن ها به ژرف کاوی و درنگ در سروده نیاز هست» (کزازی، ۱۳۷۲: ۲۸).

دانش معانی هشت شاخه است: ۱. اسناد خبری ۲. حال های نهاد (مسند الیه) ۳. حال های گزاره (مسند) ۴. حال های وابستگان فعل ۵. فرو گرفت (قصر یا حصر) ۶. انشا ۷. گسستگی و پیوستگی (فصل و وصل) ۸. کوتاهی و فراخی در سخن (ایجاز و اطناب) (همان: ۴۳). در دانش معانی، از جمله هایی که بدون قرینه لفظی در معنای ثانوی به کار می روند؛ بحث می شود؛ مثلاً به جای این که بگوییم برف باریده است می گوئیم: «برف را ببین!» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۵).

<sup>۶</sup>. Rhetorical Figures

دانش معانی، بر خلاف بیان و بدیع، با معانی ثانویه و مقتضای حال گوینده، مخاطب، اقتضای حال مکان، اقتضای حال موضوع و نوع ادبی و در کل همه شرایطی که زمینه‌های سخن را فراهم می‌کند؛ سر و کار دارد. این دانش قابل انطباق با اصول چهار گانه گرایس است و با بهره‌گیری از علم معانی، می‌توان اصل پنجمی تحت عنوان «اصل تأکید» به اصول گرایس افزود (رحمانی، طارمی، ۱۳۷۹: ۳۰۳). به نظر هاشمی در کتاب «جواهر البلاغه»: دانش معانی، اصول و قواعدی است که به کمک آن حالات کلام شناخته می‌شود؛ حالاتی که کلام به وسیله‌ی آن‌ها با مقتضای حال شنونده، مطابق می‌گردد؛ طوری که کلام مطابق هدفی باشد که به خاطر آن بیان شده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۴). در دانش معانی، مباحث: اسناد، خبر، انشاء، مسند و مسندالیه و احوال آن‌ها، قصر و حصر، امر و پرسش، ایجاز، اطناب و مساوات، جمله‌های عاطفی و وصل و فصل بررسی می‌شود (فضیلت، ۱۳۸۵: ۱۹۶-۱۹۵). این دانش، معانی ثانوی (فحوای سخن که ظاهر نیست) را بررسی می‌کند؛ اما خواننده تیز هوش می‌داند مقصود گوینده چیست!

دانش معانی یکی از فنون بلاغت (معانی، بیان و بدیع) است و در آن معانی ثانویه سخن بررسی می‌شود. به کمک دانش معانی، کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود. معانی، به بررسی سخن یا گفتمان<sup>۷</sup> می‌پردازد نه معانی واژه‌ها و جمله‌های خارج از بافت سخن؛ بنا بر این دانش معانی با تحلیل گفتمان<sup>۸</sup> و منظور شناسی<sup>۹</sup> ارتباط مستقیم دارد. دانش معانی بیشتر به معنی ثانوی گفتمان می‌پردازد نه معنای اولیه جملات یا معنی گزاره‌ای آن‌ها و به این مهم توجه دارد که چگونه می‌توان سخن را مؤثرتر بیان کرد. این توجه به تأثیر سخن است که نزدیکی دانش معانی را با فن خطابه نشان می‌دهد. در این دانش، مفاهیم مقتضای حال و مقتضای ظاهر نقش محوری دارند و سخن معمولاً با آنها سنجیده می‌شود (رحمانی، طارمی، ۱۳۷۹: ۳۰۵).

نویسنده کتاب «معانی» بحث حکم و لازم حکم را مطرح کرده و نوشته است: منظور از حکم، معنای اولیه سخن و مراد از لازم حکم معنای ثانویه کلام است. در معانی، سخن از لازم حکم است؛ یعنی علم معانی بحث از کارکردهای ثانوی جمله‌ها است که به مقتضای حال مخاطب ایراد شده‌اند؛ اگر قید مقتضای حال را ذکر نکنیم؛ معنای ثانوی جمله ملحوظ نخواهد بود (شمیسا، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۸).

---

<sup>۷</sup> discourse  
<sup>۸</sup> discourse analysis  
<sup>۹</sup> pragmatics  
<sup>۱</sup> implication  
<sup>۲</sup> propositional meaning

کلام (نظم و نثر) وقتی می خواهد در اذهان و عقول نفوذ کند؛ باید مطابق با مقتضای حال شنونده باشد و این اقتضای حال باید عمدی باشد و همین مقتضای حال است که یک سبک ادبی را مقبول و سبک دیگر را منسوخ می کند. رعایت مقتضای حال نزد مسلمین مبتنی بر بلاغت قرآن است (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۷۷).

خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب «اساس الاقتباس» مقالات هشتم در خطابت، فصل مربوط به الفاظ، می گوید: «لفظ باید که فصیح بود یعنی دال بود بر تمامی معنی بی نقصان یا زیادتی که در معنی افتد و بی حشوی که در لفظ بر آن مشتمل بود و باید که صحیح بود» (نصیر الدین طوسی، ۱۳۶۷: ۵۷۴). نظامی عروضی سمرقندی در فصل اول کتاب «چهار مقاله» در ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل می گوید: «دبیر باید در سیاق سخن آن طریق گیرد که الفاظ متابع معانی آید و سخن کوتاه گردد که فصحاء عرب گفته اند: خیر الکلام ما قلّ و دلّ<sup>۲</sup> زیرا که هر گاه که معانی متابع الفاظ افتد سخن دراز شود و کاتب را مکثار خوانند: و المكثار مهذار» (نظامی عروضی، ۱۳۷۵: ۲۱). موضوع علم معانی الفاظ است از لحاظ معانی دیگری (معانی ثانویه: دومی) که مورد نظر گوینده است؛ به گونه ای که سخن خود را مطابق مقتضای حال مخاطب بیان کند و فایده علم معانی معرفت و آگاهی بر اسرار علم بلاغت، در نظم و نثر، است (آق اولی، ۱۳۱۵: ۱۱).

مطالعه دانش معانی بر مبنای امکانات زبان و ادبیات فارسی، متأسفانه تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته و تا حدود زیادی فراموش شده است. گذشتگان ما- که در مورد علم معانی کتاب های فراوانی به زبان عربی نوشتند- کمتر به زبان مادری خود توجه کرده اند. در نیم قرن گذشته، به خاطر تأسیس مدارس و دانشگاه ها، عده ای بر مبنای کتب عربی در خصوص دانش معانی، کتاب هایی به فارسی نوشتند که مثال ها و مطالب آن ها، دقیقاً مثال ها و مطالب عربی بود و اگر ابیاتی فارسی به عنوان مثال به آن ها می افزودند؛ به تقلید از الگوهای مطرح شده در علم معانی عربی بود؛ در حالی که امکانات زبانی، در هر زبانی متفاوت است. با این وجود، افرادی مانند: حسام العلماء آق اولی صاحب دررالادب، محمد خلیل رجایی، صاحب معالم البلاغه، غلامحسین آهنی صاحب معانی و بیان و بزرگانی دیگر از استادان قرن اخیر، به ادب فارسی توجه کردند و شواهد فارسی آوردند که زحمات همه آن ها قابل ستایش است (شمیسا، ۱۳۹۱: ۲۷).

میر جلال الدین کزازی هم در کتاب های معانی، بیان و بدیع خود، مصادیق و شاهد مثال ها را صرفاً از گنجینه اشعار فارسی، بخصوص دیوان مسعود سعد، خاقانی شروانی، لسان الغیب حافظ شیرازی و حکیم ناصر خسرو قبادیانی برگزیده و دانش های معانی و بیان و بدیع را بر مبنای امکانات زبان فارسی تعریف و بررسی کرده است.

---

بهترین سخن آن است که اندک و راهنما بر مقصود باشد!

پر گوی بیهوده گوی است!